

اور بهیت سموری هموارین
سفا شنده خبره قوی عقل
خوگید را یبار و صفت آنکه
کنشک که صراح اند اولاد
همین بود تقریر و سخن برین
کو کلمه خاندانی بر زکری نور
بر باره و صفت سید کلس
اندرم و بجز بدت که کوه
و بر زکون اتمکله ای زات
ساعتده و دروز قیامتده
سببند که بر زه برین
خدمت و اتمکله مناسب
بوا مید که من شسته
ای زمین و آسمان خاک
اینجا و صفت کده در غیر
اهل دین رویند که چون
بارسولان تفرقی در مانه
بر نظر این چون غمخواره
تا که بنده جا اولوز نده

ورد اول و اینها که اولاد
در کوه که این صفت کلمه
چون وجود که دست اولاد
خون سلفان که بی نامون
چون که کده جان سمن
پس من این است جاوش
کاره کوره چون کرم
بچه اولوست غفلت
هرز و کوه که دم
هر عمل کرم ستم
هر کس که کرم
بناظر است کار
دوخ عقول سلیمه
و جاست اجناس
چون روح و صفت
در اگر سبک
تخته خاندانی
شاد و براند
و دل بینه